

خشونت‌گری علیه زنان، شایسته انسان نیست

یکی از صدها مصیبت در خطه افغانستان، اعمال خشونت علیه زنان، این موجودات معصوم و سرکوب شده دامن تاریخ میهن ماست. توسل به خشونت از سوی مرد ها در سرزمین افغانستان، بخصوص در سالهای پسین، به حدی بیباکانه، غیرمسوولانه و بیرحمانه صورت می گیرد که گاهگاه چنین کردارها تا سطح حیوانیت نیز سقوط میکنند.

خشونت های فزیکتی تا آنجا که عملاً دیده شده و هنوز هم دیده میشود، درکشورما، گونه های دهشتناک داشته است. مانند لت وکوب، آتش زدن یا به آتش سوختاندن، بریدن اعضای بدن تجاوزهای جنسی گروهیو بسیار وحشیانه، زنده به گورکردنها، " بد " دادن، حبس کردن در طویله ها وزیرزمینی های تیره و نمناک، ناخن کشیدن، محروم ساختن از آب و غذا و ده ها نوع دیگر زجر و شکنجه و آزار که حتا گاهی به تصور هم نمی گنجد.

اعمال چنین خشونت های ضد مدنی و ضد عاطفی درحالی درکشورما صورت می گیرد که اکثریت زنان و دوشیزه گان این خطه پامال شده در مسیر طولانی تاریخ، بار بسیار سنگین و طاقت فرسای فقر و محرومیت و بینوایی و بیچاره گی را بر دوش حمل کرده اند. باز، این خشونت های تکان دهنده بی مانند در صورتی در سرتاسر افغانستان علیه این بدنه مهم جامعه انسانی انجام داده میشود که از چهارده سال بدینسو دهل به اصطلاح دموکراسی، حقوق زن و حقوق بشر از سوی دنیای متمدن یا " جامعه جهانی " و دولتمردان افغانستان به صدا در آمده و گوشها را کرساخته است .

چرا چنین است ؟

اعمال خشونت در برابر زنان، آنهم در سرزمینی مانند افغانستان، عوامل چند گانه دارد که باید این عوامل را شناخت و در نابودی و خنثی سازی آن کار و تلاش جدی و مستمر انجام داد:

اول) درد بیسوادی و سطح نازل فهم و دانش

دوم) اثرات نا گوار و ناهنجار فقر اقتصادی و محرومیت های ناشی از آن

سوم) اعتیاد به مواد مخدر (گفته میشود تعداد معتادان افغانستان از مرز یک ملیون نفر گذشته است)

چهارم) گسترش اندیشه های بنیادگرایانه مذهبی

پنجم) حاکمیت افراط گرایی طالبی و داعشی در مناطق مختلف کشور و اثرپذیری های ننگین و خطرناک آن

ششم) نبود قانون مدنی و حراست کننده حقوق زنان و یا عدم تطبیق دلیرانه و صادقانه آنچه بنام قانون تاکنون وجود داشته است

هفتم) فساد اداری و ضعف ارگانهای حقوقی، قضایی و اجرایی دولت در بخشهای مختلف حیات فردی و جمعی و بخصوص، عدم بازخواست و مجازات در برابر وحشیگریهایی که علیه زنان صورت می گیرد

هشتم) تسلط فرهنگ معافیت یا میراث نا باب و باقیمانده از زعامت حامد کرزی

نهم) وجود بیماریهای روانی و ناراحتی های ناشی از آن

دهم) همنوایی ملاحای مساجد با خشونتگران و موعظه های کوردلانه آنها

یازدهم) حاکمیت نظام فئودالی و افکار و اندیشه های سنتی، عقب مانده و دست و پاگیر

دوازدهم) وجود تفنگداران غیرمسول، زورمندان جهادی و تنظیمی، و قدرتمندان دولتی که از خرافات، جنایات و جنایتکاران حمایت میکنند.

علاوه از آنچه گفتیم، شاید اسباب و دلایل دیگری نیز در این زمینه تداخل داشته باشند که برای درک و شناسایی دقیق تر آنها، تحقیق و بررسی رسمی، راهگشایانه و کارشناسانه نیاز است

حال باید پرسید، پس چگونه ممکن خواهد بود با اینهمه مصایب و نابسامانی های فکری و اجتماعی سخت جان و دیر پای مبارزه نمود؟ و بالاخره، راه اساسی بیرون رفت از اینهمه معضله های خونین و ننگین کدام خواهد بود؟

در پاسخ باید گفت که هر چند تقابل با سختیهای ذکر شده و بیرون رفت از درون مصیبت های دیرینه یی که بر شمردیم، کار سهل و آسانی نیست، اما به هیچوجه نا ممکن نیز نخواهد بود، اگر اقدامات و اجراءات آتی در جامعه آزار دیده ما صورت بگیرد:

اول) مردم ما، اعم از زن و مرد، باید با سواد ساخته شوند و متعاقباً، سطح فهم و سواد عمومی قدم به قدم بالا برده شود.

دوم) برای آنکه چنین تلاش و کوشش به نتیجه دلخواه برسد، بایستی سطح آموزش و پرورش در چارچوب معارف کشور، بامعیارهای علمی و مدنی استوار ساخته شود.

سوم) باز، بخاطر به کرسی نشاندن همچو برنامه ها، باید اولتراز همه به آماده سازی هزارها معلم یا آموزگار مسلکی، آگاه، دانا و با تقوا پرداخته شده رفاه زنده گی و مصوونیت جانی و مالی آنها تضمین گردد.

چهارم) نصاب تعلیمی و تدریسی در چارچوب معارف افغانستان باید تحت کنترل و نظارت شخصیت های علمی، مسلکی، مجرب و روشن اندیش قرار داده شود

پنجم) باید در برابر کوردلی ها، موعظه ها و زهرافشانی های مذهبی افراطیون دست بکار شد و بخصوص، دولت برسر اقتدار باید با تنفیذ قانون مدنی و انسانگرایانه و تطبیق جدی و صادقانه آن، اقدامات اساسی و ضروری غرض کاهش و محو خشونت های غیر انسانی روی دست گیرد.

ششم) زنان و دوشیزه گان کشور، باید از خواب غفلت بیدار شده از مجرای مختلف و با ذرایع گونه گون در برابر تحقیرها، خشونت ها و بی احترامی هایی که بر ضد شان صورت میگیرد، به مبارزه مرگ و زنده گی متوسل شوند. قشر آگاه و با سواد زنان کشور، مسوولیت خطیر تاریخی در این زمینه را بدوش دارند تا آنها رادر امر مبارزه رهایی جویانه شان دستگیری و رهنمایی نمایند.

هفتم) پسران جوان منحصیث برادران و همشهریان متمدن و دارای اخلاق نیک و شخصیت های عالی اجتماعی و نیز همسران آگاه، دانا و دلسوز در هر زمان و هر مکان، باید حامی و مدافع حقوق، حیثیت و شخصیت، خواهران، مادران و همسران خویش شوند و هرگز فریب سخنان و تبلیغات ملانماهای کوردل و استخدام شده را نخورند.

هشتم) باید پدران، مادران و جوانان در حوزه های بود و باش خویش، سخت متوجه اعمال و گفتار مالاها و مذهبی هایی باشند که خود شان را پیشوای دین میخوانند، چون عناصر طفیلی زنده گی میکنند، ولی نه اصلیت و هویت شان روشن است و نه از علم و دانش بهره یی دارند.

نهم) مردان افغانستان، بجای بدبینی، نگرانی، بی اعتمادی و ناباوری های بیجا و بی مورد، باید بالای همسران خویش اعتماد داشته باشند، به شخصیت آنان احترام بگذارند، از قضاوت های شتابزده و تصامیم بی خردانه ندامت آور بپرهیزند و در ایجاد فضای اعتماد و محبت متقابل تلاش بخرچ دهند.

دهم) زنان و مردان افغانستان باید در مقابل افراد و گروه های افراطی، شرانداز و تیره اندیش، از هر قماش و در هر لباس و قیافه یی که هستند ویا باشند، با جدیت، با منطق، دلیری و فدا کاری به مبارزه برخیزند.

یازدهم) مردان کشور عزیز ما باید تواضع، گذشت، مروت، اخلاق حمیده، رعایت های متقابل، ترحم، مدارا، سخاوت و محبت در برابر همسران درد دیده، معصوم و مظلوم شان را از زمره صفات و ممیزات بزرگ انسانی دانسته دست از بدگویی و بد خوئی و خشونت ورزی دست بردارند.

دوازدهم) دولت افغانستان باید مساجد و مراکز دینی و مذهبی را از لوٹ عناصر شنیاد، افراطی، زن ستیز، تیره دل و صادر شده از خارج که ظاهراً تحت نام امام، ملا، واعظ، مدرس و عالم دین دست به تبلیغات زهر آگین ضد زن، ضد علم و ضد زیبایی های زنده گی انسانی میزنند، تصفیه نماید.

سیزدهم) جمعیت العلمای افغانستان، بجای آنکه همیشه بر سطح مسایل بیندیشند و بر ضد روشنی و مطبوعات و آزادی افکار جامعه برزنند، باید بر ضد خشونت ها، خیانت ها، خونریزیها و انواع جنایت های تروریستی و ضد بشریکه همه روزه در داخل کشور صورت می گیرد، بایستند و صدای شان را مسوولانه بلند نمایند.

اینها که گفته آمد، همان حد اقل هایی اند که هرگاه در افغانستان ماتمزده مدنظر گرفته شده و بدان ها عمل شود، یقین کامل دارم سطح خشونت ها و بربریت های ضد زن و ضد فرزند آدم به قدر کافی کاهش خواهد یافت . (پایان)